بازخوانی پرونده جنایی

سفارش قتل شوهر به خاطر تصاحب بیمه عمر

گروه حوادث/ مرضیه همایونی: آن ساعت شب خیابان‌ها خلوت بود و از ترافیک خبری نبود شیشه خودرو را پایین کشیدم و باد خنکی به صورتم خورد دیگر گرمای هوا شکسته بود و خبر از نزدیک شدن به فصل پاییز می‌داد. داشتم به اتفاقات زیادی که از صبح افتاده بود فکر می‌کردم و اینکه بعد از آن همه پرونده و سر و کله‌زدن با متهم و ارباب رجوع به جای اینکه الان در خانه استراحت کنم باید دوباره راهی یک صحنه جنایت دیگر شوم. اما خیلی زود به خودم گفتم انگار یادت رفته شغلت چیست؟ افسر پلیس بودن آن هم اداره ویژه قتل دیگر ساعت کاری ندارد.

دقایقی بعد وقتی خودرو مقابل خانه‌ای چند طبقه توقف کرد پیاده شدم و با تیم همکاران راهی یکی از طبقات ساختمان شدیم. توپی قفل در ورودی خانه شکسته بود و به محض ورود با جسد مردی روی زمین روبه‌رو شدیم که با تکه‌ای سیم که دور گردنش پیچیده بودند، خفه شده بود.

رفتار عجیب زن جوان

قسمتی از خانه بهم ریخته و قسمت دیگر کاملاً مرتب و تمیز بود. هویت مقتول به نام ناصر شناسایی شد همسرش هم در چند قدمی جسد ایستاده بود. کیسه‌ای حاوی مرغ در کنار جسد قرار داشت و معلوم بود که مرد جوان در مسیر بازگشت به خانه، آنها را خریده است.

وقتی می‌خواستم از همسر ناصر درباره این ماجرا سؤال کنم با ناراحتی دستش را روی پیشانی‌اش گذاشت و با حالتی که نشان از درد داشت گفت: «جناب سروان می‌توانم از داخل یخچال قرص مسکن بردارم. سردرد شدیدی دارم و امانم را بریده است.»

مهسا، همسر دوم ناصر بود و چند سالی می‌شد که باهم زندگی می‌کردند، رفتارش عجیب بود با اینکه بالای سر جسد همسرش ایستاده بود اما نه گریه می‌کرد و نه بی‌قراری و بیشتر به فکر سردرد خودش بود. به او اجازه دادم که برای خوردن قرص برود اما عجیب‌تر این بود که وقتی می‌خواست به سمت یخچال برود خم شد و کیسه حاوی مرغ‌ها را که در کنار جسد همسرش قرار داشتند برداشت و بلند گفت: «مرغ‌ها بیرون بمانند خراب می‌شوند.» بعد هم به جای اینکه از مسیر دیگری به آشپزخانه برود در کمال ناباوری از روی جسد همسرش رد شد.

رفتارهایش عجیب بود انگار از مرگ همسرش ناراحت و شوکه نبود و این رفتار یک احتمال را در ذهن افسر و بازپرس پرونده پررنگ می‌کرد که او در این ماجرا نقش داشته است.

همین رفتار و چند سؤال و جواب در صحنه قتل کافی بود تا مهسا به عنوان اولین مظنون این حادثه مطرح و با دستور بازپرس جنایی بازداشت شود.

هرچند وی مدعی بود که در زمان قتل شوهرش در خانه حضور نداشته است اما وقتی بازجویی از او شروع شد زن جوان گفت: «دخترم در کنکور قبول شده بود به همین مناسبت در خانه پدرم برایش جشن گرفته بودیم. من از ناصر فرزندی نداشتم و دخترم از همسر اولم است و ناصر ارتباط خوبی با او نداشت. به همین خاطر جشن قبولی‌اش را هم در خانه پدرم گرفتیم. من اصلاً خبر نداشتم چه اتفاقی افتاده است وقتی برگشتم با جسد شوهرم روبه‌رو شدم. مطمئنم کار سارقان است چون از خانه‌ام سرقت شده و ۱۰ سکه طلا و ۱۰ هزار دلار پول از خانه‌ام برده‌اند.»

نگاهی به اطراف انداختم، وسایل با ارزش دیگری هم در خانه بود که می‌شد آنها را سرقت کرد اما چرا فقط سکه و دلارها به سرقت رفته بود؟ چرا فقط یک قسمت از خانه بهم ریختگی داشت؟ سارقان می‌دانستند که در چه قسمتی از خانه وسایل با ارزش نگهداری می‌شود؟ اگر می‌دانستند پس آنها آشنا بودند؟ اما در ورودی خانه و توپی قفل شکسته شده بود؟ با این حساب می‌خواستند سرقت را طوری رقم بزنند که نشان دهند کار افرادی غریبه است.

در حال بررسی خانه و کنار هم قرار دادن مدارک و شواهد بودم تا شاید به سرنخ مهمی برسم که مهسا خطاب به من گفت: «چند روز قبل با ناصر سوار ماشین بودیم که فردی راهمان را سد کرد و با همسرم درگیر شد. ناصر می‌گفت از بیمارانش است و برای او ایجاد مزاحمت کرده است. شوهرم در کار طب سنتی بود و مشتریان زیادی داشت فکر می‌کنم کار همان مرد باشد. شاید هم کار سارقان باشد. نمی‌دانم چه کسی مرا بدبخت کرد و به این روز انداخت.»

وقتی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد در ادامه تحقیقات کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پی بردند که مهسا همان شب حادثه با دو مرد ناشناس در تماس بوده است. با بررسی تلفن‌ها هویت دو مرد جوان به دست آمد. اما نکته مهم‌تری که فاش شد این بود که مقتول مدتی قبل خودش را به مبلغ یک و نیم میلیارد تومان بیمه عمر کرده و در صورت فوت این مبلغ به همسرش مهسا می‌رسید. تمام این موارد ظن پلیس را به زن جوان بیشتر می‌کرد.

اجاره آدمکش ۲۰۰ میلیونی

با دستور بازپرس پرونده دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت بررسی شد و تصاویری که از شب حادثه به دست آمد راز مهمی را فاش کرد. ساعتی قبل از این جنایت دو مرد جوان حوالی خانه مقتول پرسه می‌زدند. حالا دیگر تیم جنایی مطمئن بودند که مهسا در قتل شوهرش نقش دارد و برای این کار آدمکش اجیر کرده است. به دستور بازپرس جنایی، دو مرد جوان نیز بازداشت شدند. متهمان که انکار را بی‌فایده می‌دیدند به قتل ناصر اعتراف و اظهار کردند از سوی مهسا برای این قتل اجیر شده بودند.

یکی از متهمان گفت: «مهسا کارمند یک شرکت بود و از طریق یکی از دوستان مشترکمان به من سفارش قتل شوهرش را داد. من هم که نیاز شدیدی به پول داشتم مبلغ ۲۰۰میلیون تومان برایم خیلی کارساز بود و قبول کردم؛ می‌گفت شوهرش او را اذیت می‌کند و ناسازگار است. اما بعد فهمیدیم به خاطر پول بیمه عمرش بوده است. یک ماهی می‌شد که چنین نقشه‌ای در سر داشتیم. ما چندین بار تصمیم گرفتیم که ناصر را به قتل برسانیم اما هر بار یک اتفاقی رخ می‌داد. مثلاً یکبار می‌خواستیم در مطب دکتر، او را به قتل برسانیم حتی به عنوان بیمار وقت گرفتیم اما بیماران دیگر هم بودند و نتوانستیم نقشه‌مان را اجرا کنیم. یکبار هم می‌خواستیم او را با ماشین زیر بگیریم، اما محلی که برای این کار انتخاب کرده بودیم در نزدیکی داروخانه بود و دوربین داشت.»

او ادامه داد: «شب حادثه من و بهزاد روانه خانه مهسا شدیم، او در ورودی ساختمان را باز گذاشته بود. ما به زیرزمین رفتیم و در آنجا مخفی شدیم. صبر کردیم تا مهسا به همراه دخترش از خانه خارج شود و صدای بسته شدن در خروجی را که شنیدیم من و بهزاد از زیرزمین بیرون آمدیم و به طبقه بالا رفتیم. در را با کلید باز کردیم بعد منتظر ماندیم تا ناصر وارد خانه شد، کیسه‌ای مرغ هم دستش بود. از پشت به او حمله و خفه‌اش کردیم بعد از جنایت قسمتی از خانه را به هم ریختیم و با سرقت سکه‌ها و دلارها که محل نگهداری آنها را مهسا به ما گفته بود سعی کردیم طوری وانمود کنیم که به نظر برسد قتل به خاطر سرقت رخ داده است و توپی در را هم بعد از جنایت موقع فرار تخریب کردیم. قرار بود برای این کار به ما ۲۰۰ میلیون تومان پرداخت کند که ۴۰ میلیون آن را پرداخت کرد و مابقی‌اش ماند.»

مهسا که دیگر دلیلی برای انکار نداشت انگیزه خود را از این جنایت بدرفتاری شوهرش عنوان کرد و گفت: «از زندگی با ناصر راضی نبودم و می‌خواستم جدا شوم اما چون خودش را با مبلغ بالایی بیمه عمر کرده و بعد از مرگش این پول به من می‌رسید تصمیم گرفتم او را از سرراه بردارم و برای این کار دو آدمکش اجیر کردم.»

هشدار

عوامل اصلی در تصادفات شبانه تهران

گروه حوادث: خستگی ناشی از فعالیت و کار زیاد و همچنین تاریکی شب می‌تواند یکی از عوامل اصلی در وقوع تصادفات رانندگی باشد. بنابراین لازم است آموزش‌های لازم در این زمینه ارائه شود و افراد پیش از رانندگی از آمادگی لازم برخوردار باشند.

علی‌رضا کاظمی، معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران با بیان این مطلب گفت: «شهر تهران شهری پویاست و مردم به طور مستمر در حال تردد هستند و به دلیل مشاغل مختلف، کارهای شیفتی و شبانه و همچنین استفاده از خودروهای شخصی، تردد در ساعات مختلف شبانه‌روز ادامه دارد. معمولاً از نیمه‌شب به بعد شاهد وقوع این حوادث هستیم که می‌تواند صدمات عمده‌ای به شهروندان، چه افرادی که در معابر حضور دارند و چه سرنشینان و رانندگان خودروها، وارد کند و در برخی موارد نیز موجب افزایش جراحات و مرگ‌ومیر شود. رعایت سرعت و قوانین می‌تواند در کاهش این تصادفات مؤثر باشد.»

افزایش خطر آتش‌سوزی و گازگرفتگی با آغاز فصل سرما

معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی تهران با اشاره به نزدیک شدن فصل سرما درباره مهم‌ترین حوادث این فصل نیز گفت: «با سرد شدن هوا، استفاده از وسایل و روش‌های مختلف گرمایشی، از جمله بخاری‌های گازی، افزایش پیدا می‌کند و در این شرایط، خطر آتش‌سوزی و گازگرفتگی ناشی از گاز منوکسیدکربن نیز افزایش می‌یابد. شهروندان باید در استفاده از تجهیزات گرمایشی و تأسیسات مربوط به آن، استانداردهای لازم را رعایت و از تجهیزات و تأسیسات استاندارد استفاده کنند.»

کاظمی خاطرنشان کرد: «توجه به استانداردهای لازم در تأسیسات گرمایشی و نحوه استفاده صحیح از تجهیزات در فصل سرما می‌تواند در کاهش حوادث ناشی از آتش‌سوزی و گازگرفتگی مؤثر باشد.»

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۵۵

جدول عادی

افقی

۱- کشاورز - خبر ارسالی - قطع کردن
۲- دیفتری - سوءاستفاده از فرصت‌ها و امکانات جامعه - بی‌شرمی و پرده‌دری
۳- گلی به زیبایی چشمان دلدار است - پدر شعر یونان قدیم - رشته
۴- مساوی، هم‌سنگ - تحریک پوستی - کرم حشره
۵- عود - زودباور - ادب آموخته - کلاه فرنگی
۶- کشت به امید باران - پشیمان - بانگ اسب
۷- بیهوده - مغازه - تکیه‌گاه خفته
۸- از علوم کامپیوتری
۹- شهر فالوده - مرغابی - گوزن ایرانی
۱۰- با «سوز» آید - برقرار - ترش و شیرین
۱۱- نقش بازیگر - برهان‌ها، حجت‌ها - میوه یلدایی - گوشت آذری
۱۲- افسانه‌سرا - امانتدار - پایان
۱۳- خرما - شب طولانی سال - درختچه‌ای زینتی
۱۴- فیزیک نور - بی‌آبرو، بدنام - مایع ظرفشویی
۱۵- مدافع چپ تراکتور - سرزمین - خودروی جنگ

عمودی

۱- پانسمان - از تقسیمات کشوری
۲- اشاره بعید - کار اصلی رادارها - چراغ نفتی
۳- خودروی ایرانی - رگ‌های خونی بسیار ظریف - از دین برگشته
۴- از اجزای ساعت - حامی - مساوی عامی
۵- سنگین و پُربها - ماهی رها! - متحد
۶- واحد چلوکباب - گلی زینتی - آب گوارا
۷- حرف انتخاب - مستقل و توانمند - غمخوار
۸- سوم شخص جمع - پشت سر - بنفش بسیار روشن
۹- ورم کرده - پلکان ابتدایی - باز عامیانه!
۱۰- درهم - جا - ایستگاه راه‌آهن
۱۱- نصیب، سهم - پارچه ابریشمی رنگین - درون محدوده
۱۲- برهنه - سریال جواد افشار - گزارش
۱۳- قانون چنگیز - دومین عنصر سبک جهان بعد از هیدروژن - کافه
۱۴- بی‌رنگ کردن مو - قاطعانه - شهر توت
۱۵- سم سیگار - فرسایش

جدول ویژه

افقی

۱- تفرجگاه - حلال نیست - پارچه پنبه‌ای شبیه به کرباس
۲- آتش شعله‌دار - شاد کننده - آیین‌ها
۳- مشکوک - فراوانی - جمع منت
۴- کشوری در آفریقا - جلوه و رونق - مرکز برنامه‌ریزی و فرماندهی در ارتش
۵- ویتامین جوانی - معروف - آشکار - دیگ مازنی
۶- کشور «آکرا» - پرهیزگاری - گوشه‌نشینی
۷- موتور جست‌وجوی اینترنتی - سراسر - لایه‌ای در هوا کره
۸- فیلمی با بازی حامد کمیلی
۹- از تقسیمات کشوری - ضدحمله - شکوه
۱۰- مرد بخشنده - واسطه معامله - هافبک تیم ملی عراق
۱۱- وحشی‌صفت - ابزار در و پنجره - همدم - درون
۱۲- اتاق راه‌آهن - فلز سکه‌زنی - شهر استان مازندران
۱۳- تیم فوتبال اروپایی - پرکار - بزرگ‌ترین شهر «پرو»
۱۴- یاقوت سرخ - با انصاف - سراسر
۱۵- دربه در - تکلم و بیان - هیزم

عمودی

۱- نوعی دوخت تزئینی - ضربه پا در شکم در تکواندو
۲- فیلم بهرام بهرامیان - پیوندگاه دو سلول عصبی - جاویدان
۳- گلی بهاری - یواش - روستایی در شهرستان پاوه
۴- غضب قدرت - شهر غله و میوه - بوی زننده رطوبت
۵- رفیق مهربان - میوه خون‌ساز - باغ دیدنی کاشان
۶- کجاوه - در قید و بند - بازدارنده
۷- تاقچه بالایی - ورزشگاه «بارسلونا» - رستاخیز
۸- آرام خودمانی - نیاکان - سرهنگ فرنگی
۹- حفظ شده - آشفتگی - رده
۱۰- خداحافظی - لرزش، جنبش - سخن و گفتار
۱۱- گذرگاه - عدد بلبل! - کشور «طرابلس»
۱۲- خیس - سرمشق - جیره مقرر
۱۳- بلندی قد - دورویی، حیله - شکوه‌گر
۱۴- اوراقی که دارای ارزش هستند - غیرمستقل - ناخن اسب
۱۵- سریالی با حضور امیر کاظمی و مجید افشاری - نان محلی و سنتی آذربایجان غربی

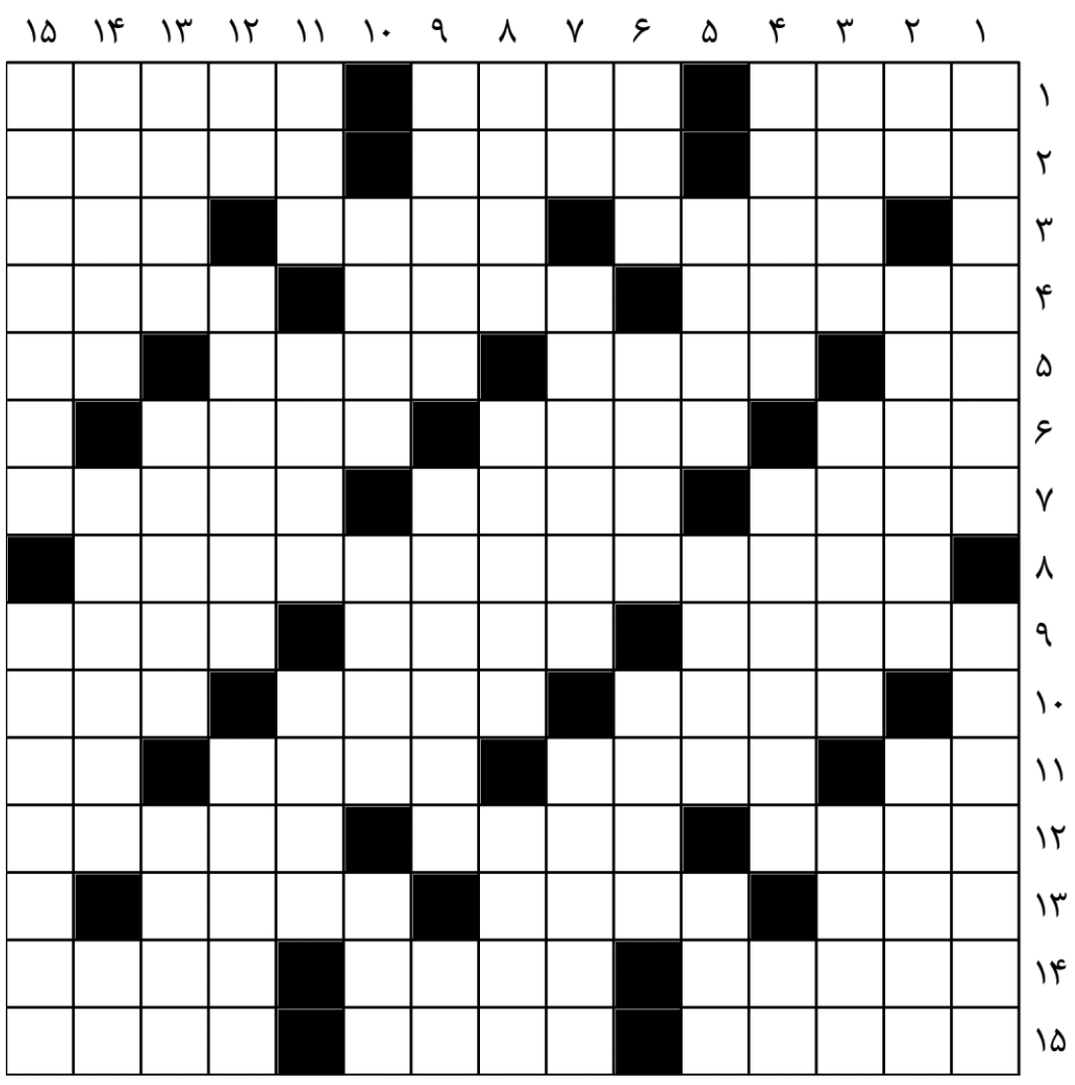

حل جدول عادی شماره ۹۱۵۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ل	ا	ل	ا	■	پ	ش	ی	م	ا	ن	■	ب	ی	ا
۲	ا	ت	ش	ن	ش	ا	ن	ی	■	س	ر	ش	ن	ا	س
۳	و	ل	■	ک	ا	م	ا	■	ف	ت	و	ا	■	س	ت
۴	ا	ی	ل	■	د	ی	■	ا	ل	ا	ن	ی	ا	م	ر
۵	ن	ه	ا	ن	■	ر	ا	م	س	ر	■	س	ر	م	ا
۶	■	■	م	و	س	■	س	و	■	ا	ش	ت	ی	ا	ق
۷	پ	و	س	ت	پ	ی	ا	ز	ا	■	و	ه	■	ن	س
۸	ا	ر	ه	■	ی	ا	ر	■	ی	ک	م	ز	ا	ت	م
۹	د	د	■	پ	د	■	ا	ر	ب	ا	ب	ر	چ	و	غ
۱۰	ر	س	و	ا	ی	ی	■	ی	ن	ی	ا	م	د	■	■
۱۱	م	ت	ر	و	■	و	ر	و	د	ی	■	ز	ا	د	ه
۱۲	ی	■	م	ر	ی	ن	و	س	■	ا	گ	■	د	ا	ر
۱۳	ا	ن	■	ق	و	ا	م	■	ا	و	ا	ر	■	و	س
۱۴	ن	م	ا	ی	ا	ن	■	ا	ب	ر	و	د	ا	ر	ی
۱۵	ی	د	ک	■	ش	ی	پ	و	ر	ی	■	ه	م	ی	ن

حل جدول ویژه شماره ۹۱۵۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ز	ل	ی	■	ا	ش	ر	ش	ت	ه	■	ل	گ	د
۲	ص	ا	ح	ب	د	ل	ا	ن	■	ب	ر	و	ب	ی	ا
۳	ا	و	■	س	ب	ز	ه	■	ا	ه	ا	ی	■	ت	ی
۴	ب	ر	ا	■	ه	ا	■	ا	ر	ک	س	ت	ر	■	ر
۵	ت	ا	ر	ا	■	م	ل	ی	ک	ا	■	ک	ی	ا	ک
۶	■	■	ش	خ	ص	■	ه	ف	■	ر	و	ن	و	ش	ت
۷	ت	ر	ی	ت	ی	ک	ا	ل	ه	■	ا	گ	■	ر	و
۸	ی	ه	و	■	ق	و	س	■	ر	ا	ک	■	س	ا	ر
۹	ن	ا	■	چ	ل	■	ا	ب	و	ا	س	ح	ا	ق	ی
۱۰	و	ی	ر	ا	ی	ش	■	ر	د	ا	ن	ک	و	■	■
۱۱	ص	ی	ا	د	■	ش	م	ا	ت	ت	■	م	ا	ن	ع
۱۲	ا	■	د	و	ر	د	س	ت	■	ک	ا	■	ک	ی	ن
۱۳	ل	س	■	گ	م	ا	ن	■	س	ا	ر	ی	■	ا	ب
۱۴	ح	ک	م	ر	ا	ن	■	چ	ر	م	ش	ن	ا	س	ی
۱۵	ی	و	غ	■	ل	گ	د	م	ا	ل	■	گ	ی	ر	ه